گزارش کوتاه

روی پوست سال‌های خمیدگی

فاطمه نیازی

■ از داغ‌های مکرر آویز شده‌بود. مثل همیشه می‌خواست با دست‌های کوچکش نان را بچسباند بر آتش که «سیاوش» شد. دود از گیسوانش بالا رفت. نفت حمله کرده‌بود بر پرچین دامنش. اول ترسید و بر زخم‌های بد لعنت فرستاد. کبریت را به گوشه‌ای انداخت. دوباره اما وسوسه سوختن رهایش نکرد که خود را در حصار انداخته بود تا هیچ روزنی بر او نگذرد. این تصویری بود واقعی از یک صحنه زجرآور خودسوزی در یکی از روستاهای غرب کشور و باز مات شدن «پیاده‌هایی» که می‌روند «فرزین» بزنند اما در خاک گورستان و باز دلتنگی‌هایی که فقط اندازه یک برف، آب می‌شود و بعد هیچ اثری نمی‌ماند نه از مزه سوختن زیر دندان‌ها و نه از ناله‌هایی که کشیده می‌شوند روی پوست سال‌های خمیدگی. برای پیگیری روند رو به رشد خودکشی که بی‌شمار دهان‌باز کرده‌است بر دردهای شهر و همچنین اطلاع از آمار مستند آن به سراغ محمدحسین پورحقی بازپرس شعبه اول دادسرای عمومی و انقلاب کوهدشت و همچنین کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی رفتیم. وی درباره این آسیب اجتماعی اظهار داشت: «خودکشی به‌عنوان یکی از آسیب‌های اجتماعی از دیرباز گریبانگیر بشر بوده و در اعصار مختلف اشکال آن متفاوت است. در زمان ما در بین جوانان و نوجوانان شیوع پیدا کرده‌است.» پورحقی گفت: «بالاترین آمار خودکشی در شرق اروپا و کمترین آمار مربوط به کشورهای حوزه مدیترانه، آمریکای لاتین و مسلمانان است. در ایران در مقایسه با سایر کشورها، آمار خودکشی کمتر است. لکن گسترش آن با توجه به جوانی جمعیت جای نگرانی فراوان دارد.» بازپرس شعبه اول دادسرای عمومی و انقلاب کوهدشت درباره شیوه‌های رایج خودکشی و آمار آن در بین زنان و مردان گفت: «شیوه‌های رایج خودکشی به ترتیب: خودسوزی، حلق‌آویزی، سلاح گرم و مسمومیت است که در مردها ۱۷، ۳۵، ۴۱ و ۱۶درصد و در زنان ۶۴، ۲۳، ۱۵ و هشت‌درصد است.» پورحقی همچنین درباره رایج بودن خودکشی در میان گروه‌های سنی مختلف گفت: «بررسی متغیرین نشانگر این است که ۵۶درصد خودکشی در سنین ۱۲ تا ۲۵سالگی و بیش از ۷۰درصد آنها در ۱۲ تا ۳۰سالگی بوده‌است.» وی درباره شیوع بیشتر خودکشی در میان استان‌های کشور و همچنین آمار آن در بین زنان و مردان گفت: «با توجه به جامعه آماری از سال ۸۳ تا ۸۶ در استان‌های غربی خودکشی نسبت به سایر مناطق کشور درصد بالاتری دارد. بالاترین نرخ خودکشی مردان در استان همدان ۱۳/۵ به ازای هر صدهزار نفر و در زنان استان‌های ایلام ۱۵/۵ و کرمانشاه ۱۳/۱ به ازای هر صدهزار نفر است.» پورحقی درباره شیوع خودکشی در بین جنسیت زن و مرد و همچنین نقش رسومات قومی و قبیله‌ای در ایجاد آن افزود: «در بین زنان، خودکشی منجر به فوت با آمار ۱۱۰ نفر در جامعه آماری، نشانگر روند روبه رشد خودکشی در زنان نسبت به مردان بوده است که رسومات قومی و قبیله‌ای در ایجاد آن نقش بسزایی دارد. اعتقاد به اقتدار مردان، ناتوانی نسبی اقتصاد زنان، اعتقاد به نقش خانه‌داری زن، نقش خودپنداری منفی زنان، اعتقاد به اینکه زنان مانند کودک هستند و اعتقاد به اینکه نظام قضایی جانب مرد را می‌گیرد نقش بسزا و عاملی موثر در خودکشی زنان در مناطق عشایری تلقی می‌شود.» وی در مورد نقش تاهل در پیشگیری یا جلوگیری از این معضل اجتماعی در میان زنان و مردان چنین توضیح داد: «با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در جامعه ما و بررسی متغیر، تاهل عاملی بازدارنده در خودکشی برای مردان و به عکس عاملی موثر برای خودکشی در زنان بوده است که این موضوع خود جای تفکر و تامل بسیار دارد.» وی همچنین در مورد آمار خودکشی در شهر و روستا افزود: «نرخ خودکشی در روستاها ۶۰درصد و در مناطق شهری در جامعه آماری ۴۰درصد را نشان می‌دهد.» پورحقی درباره نقش تحصیلات و فقر در پیدایش خودکشی و همچنین آمار آن در نزد طبقه تحصیلکرده گفت: «طبق بررسی‌های انجام شده تحصیلات و سواد عاملی بازدارنده و بالعکس فقر، عاملی موثر در خودکشی است. درخصوص قشر تحصیلکرده بررسی جامعه آماری ما نشانگر این است که ۸۰درصد کمتر از دیپلم و ۲۰درصد دیپلم به بالا هستند که این خود نمایانگر بازدارنده بودن سواد در خودکشی است که به صور مختلف صورت پذیرفته است، یعنی بین سواد و خودکشی نسبت معکوسی وجود دارد. به این شرح که با بالا رفتن سواد، نرخ خودکشی کاهش و به‌عکس با پایین آمدن میزان سواد نرخ خودکشی افزایش می‌یابد.» در پایان پورحقی آمار خودکشی در شهرستان کوهدشت و علل افزایش آن را چنین توضیح داد: «با توجه به بررسی‌های صورت گرفته از سال ۸۳ تا ۸۶ به ترتیب ۲۲، ۲۸، ۳۴ و ۳۷ نفر در هر یک‌صدهزار نفر جمعیت برآورد شده و این خود نشانگر روند روبه‌رشد قابل توجه در مقایسه با کشور در سال ۸۳ است که بیش از سه برابر درخصوص دلایل افزایش می‌توان به اختلافات خانوادگی، فقر، اعتیاد و بیماری‌های روانی اشاره کرد.» همان‌طور که پورحقی با توجه به آمار اشاره کرد: «سواد عامل بازدارنده در خودکشی و بالعکس فقر عاملی موثر در خودکشی است.»

عکس: عباس کوثری، شرق

بررسی روش‌ها و ترفندهای قاچاقچیان برای جاسازی مواد مخدر

برنامه‌ریزان قاچاق

مهدی افروزمنش

جعفر اهل جزیره است، محله‌ای محصور در میان ریل‌های راه‌آهن که به همین دلیل نام جزیره گرفته است. ۳۵ساله است و تحصیلاتش تا آنجایی که می‌تواند نام خود و اعضای خانواده‌اش را بنویسد و امضا کند. همین حد از سواد را هم در زندان یاد گرفته است، وقتی که به جرم قاچاق موادمخدر بازداشت و روانه زندان شد. او در واقع یک مشاور و برنامه‌ریز است، مشاور قاچاقچیانی که می‌خواهند مواد خود را جابه‌جا کنند و او به آنها می‌گوید که چطور این کار را انجام دهند. از کدام راه‌ها بروند، چطور برنامه‌ریزی کنند و مهم‌تر از همه مواد خود را چگونه «جاسازی» و حمل کنند. قرار نیست که چهره‌اش را ببینم خودش را این‌طور توصیف می‌کند «لاغرم، با صورتی استخوانی و موهای کوتاه و همیشه ته ریش دارم.» البته این را هم اضافه می‌کند که خیلی به این حرف‌های من اعتماد نکن چون برخی جاها را عمدا بهت دروغ می‌گویم یا راستش را نمی‌گویم، اما لاغر بودنش را راست می‌گفت، این را بعد از ضربه‌ای که به شوخی به پشتم زد تا بپرسد که ترسیده‌ام یا نه متوجه شدم. درآمدش از همین راه است و «خوب هم است». تنها با یک خط تلفن کار می‌کند و گاهی برنامه‌ریزی برای انتقال یک محموله تا یک ماه وقتش را می‌گیرد. در باقی موارد ترجیح می‌دهد که به کار مکانیکی بپردازد که یکی از علاقه‌هایش است و البته فوتبال که می‌گوید بازیکن قابلی در آن است. فیلم هم زیاد می‌بیند و گاهی اوقات ایده‌هایش را برای حمل و جابه‌جایی مواد را از آنها می‌گیرد. نزدیک ۱۰سال است که در کار قاچاق است و این روزها برای خود اسم و رسمی به هم زده است که گاهی باعث دردسرش می‌شود. ماموران بسیاری در اداره آگاهی یا بخش‌های مبارزه با موادمخدر می‌شناسندش و هرازچندگاهی نیز باید به آنها رجوع کند. معتقد است که با آموزش‌هایی که ظاهرا ماموران در سال‌های اخیر دیده‌اند کار قاچاق سخت‌تر شده است اما هنوز هم راه‌های بی‌شماری برای ترانزیت است که تنها باید کشف شوند. می‌گوید که حتی در مواقع بیکاری هم به راه‌های ترانزیت فکر می‌کند و این شغل «یک جورهایی» برایش به سرگرمی هم تبدیل شده است. آنقدر درگیر این موضوع است که گاهی پیش آمده که همزمان با پیشنهاد مشتری، نقشه را ارایه کرده، چراکه از قبل نقشه را داشته است. بسیاری از نقشه‌هایش بار اول لو رفته است و بسیاری بعد از چند بار. جعفر معتقد است که بهترین نقشه‌ها هم یک عمری دارند و بالاخره لو می‌روند. زیرا اگر توسط رقبا به پلیس لو داده نشود یا حمل‌کننده‌ها در دام ماموران اطلاعاتی نیفتند، هم باز لو می‌روند. قرار نیست که نقشه‌هایش را به من بگوید، حتی آنها که لو رفته‌اند یا پایشان به سینما هم کشیده شد. اما می‌گوید، یک‌بار با استفاده از یکی از همین نقشه‌های لو رفته توانسته که محموله‌ای ۳۰ کیلویی را از کرمان به تهران منتقل کند، «من مواد را فقط مقابل چشم مخفی کردم». معمولا پولش را وقتی می‌گیرد که نقشه را می‌دهد، اما شده است که بخشی از پول را بعد از موفقیت انتقال گرفته که البته این موارد مربوط به محموله‌های سنگین است، «هرکسی می‌داند که این طور کار کردن گران‌تر هم هست». رقم دقیقی از میزان و حجم قاچاق موادمخدر به ایران وجود ندارد، اما چندی قبل وزارت خارجه آمریکا در گزارش سالانه خود این رقم را در حدود هزارو ۵۰۰ تن اعلام کرد. این رقم معادل ۴۰درصد تولید قاچاقچیان در کشور افغانستان است. آمارهای ایران نیز نشان می‌دهد که یک سوم این مواد توسط نیروی انتظامی و نهادهای امنیتی کشف و ضبط می‌شود. در سال ۲۰۱۰ ایران با کشف ۴۰۸تن موادمخدر برای سی‌امین سال متوالی بیشترین کشفیات موادمخدر در دنیا را به خود اختصاص داد. پلیس می‌گوید، ۷۰درصد این کشفیات با کارهای اطلاعاتی است که «جعفر» آن را بزرگ‌ترین چالش پیش رو برای حمل مواد می‌داند. او می‌گوید، «خبر دارم که گاهی اوقات کار نفوذ چنان تمیز و دقیق برنامه‌ریزی و انجام شده که قاچاقچیان محموله را با اعتماد کامل به دست مامور سپرده‌اند.»

به گفته این برنامه‌ریز قاچاق محموله‌های موادمخدر، افراد زیادی هستند که این کار را انجام می‌دهند و البته بیشتر از آنها تعداد ماموران پلیسی است که آموزش می‌بینند که محموله‌ها را کشف کنند و این نبردی است خستگی‌ناپذیر بین آنها که می‌خواهند محموله‌هایشان به مقصد برسد و آنها که وظیفه دارند، مقابله کنند. در این میان دومیلیون معتادی هستند که هر از چندگاهی برتری یکی از طرفین را در قیمت و کیفیت اجناس مصرفی حس می‌کنند. جعفر می‌گوید که چون به صورت طبیعی هر از چندگاهی شیوه‌های قاچاق دچار تغییر می‌شود، زمان‌هایی هست که آنها از پلیس جلوتر هستند که البته این زمان‌ها هم اکنون به دلیل هوشیارتر شدن پلیس به شدت کاهش پیدا کرده است. اما به هر دلیلی معتادان این روزهای کشور، مواد خود را ظرف مدت میانگین ۲۱ دقیقه (برآورد ستاد مبارزه با موادمخدر) به دست می‌آورند و قیمت آن نیز در بیشتر مواقع سیر نزولی دارد که نشان‌دهنده اعتماد مصرف‌کننده به وجود ثبات بازار است.» پلیس هم تلاش‌اش را می‌کند؛ این جمله جعفر است که این‌طور ادامه پیدا می‌کند: «اما قبول کنیم که قاچاقچیان معمولا یک قدم جلو هستند و ابتکار عمل را در دست دارند و این کار پلیس را سخت می‌کند.» برخی از شیوه‌های قاچاق که توانستم به آنها دست پیدا کنم، نشان می‌دهد کار پلیس در مبارزه با موادمخدر چه میزان سخت است و در میان این شخصیت‌های منفی فیلمنامه‌های سینمایی و تلویزیونی گاهی چه خلافکاران باهوشی وجود دارد. کسانی که پول می‌گیرند تا بار را با کمترین هزینه و مطمئن به سرمنزل برسانند. آنها برنامه‌ریزهای قاچاق موادمخدر هستند و جعفر یکی از آنهاست؛ مردی که بچه جزیره است اما در شهر کار می‌کند.

هرویین در تاروپود فرش

یکی از ماموران امنیتی با نفوذ به یک شبکه قاچاق موادمخدر موفق به کشف روشی شد که بعدها با نام «فرش‌های هرویینی» شهره شد. این مامور به منظور کار دیگری در پوشش یک فروشنده عمده مواد وارد باند شده بود و در طول کار خود متوجه روشی شد که قرار بود با استفاده از آن هرویینی به ارزش ۲/۵ میلیون دلار قاچاق شود. در این روش قاچاقچیان، هرویین را درون نی نوشیدنی ریخته و با مسدود کردن طرفین آن، نی‌ها را در لابه‌لای تاروپود فرش‌های ابریشمی جاسازی می‌کردند. فرش‌ها نیز به عنوان محموله‌های صادراتی یا محموله‌های فروخته‌شده به خارج از کشور یا شهرهای بزرگ ترانزیت می‌شد. برای این شیوه قاچاق، زمان بسیاری صرف می‌شد که بیشتر آن شامل زمان مورد نیاز برای بافت فرش می‌شد. نی‌ها پس از دریافت محموله از لابه‌لای فرش خارج شده و بسته‌بندی و به بازار مصرف روانه می‌شدند.

> **محموله‌های زیادی هر روز در کشور لو می‌روند یا پلیس موفق می‌شود آنها را کشف کند اما با این حال محموله‌های بسیاری هم سالم به مقصد می‌رسند. «محموله‌های سبز» (نامی که جعفر به محموله‌های رسیده به مقصد می‌دهد) حاوی آنقدر مخدری هستند که بازار را همیشه تامین کند و این محصول نقشه افرادی چون جعفر است که پول می‌گیرند تا برنامه‌ریزی قاچاق کنند**

لباس‌های هرویینی

یکی از روش‌های قدیمی قاچاق تریاک یا هرویین روشی بوده که در آن قاچاقچیان هرویین یا تریاک را به صورت مایع درآورده و لباس‌های ورزشی یا رسمی (اعم از کت و شلوار، پیراهن، کراوات و...) را به این مواد آغشته کرده و بعد آنها را تحت عنوان یک شرکت پوشاک بسته‌بندی و ترانزیت می‌کردند. دریافت‌کنندگان نیز در محل این لباس‌ها را دوباره جوشانده و مواد را از آنها جدا می‌کردند. مخدرهای مایع‌شده پس از طی فرآیندی مجدد جامد و قابل مصرف می‌شدند. ما نمی‌دانیم که با این شیوه قاچاقچیان چندبار از دست پلیس گریخته و چه میزان مواد را با موفقیت جابه‌جا کردند، اما در نمونه‌ای که کشف شد، ماموران با سه کامیون پر از جعبه‌های پیراهن آغشته به تریاک روبه‌رو شده بودند. معمولا برای مایع کردن مواد از ماده شیمیایی «انلیداستیک» استفاده می‌شود.

کتاب

شیوه قاچاق کتابی از مرسوم‌ترین روش‌های قاچاق محموله‌های کم‌حجم است که با وجود کشف چندباره هنوز هم توسط افراد استفاده می‌شود. در این روش معمولا مواد در لابه‌لای صفحات کتاب جاسازی می‌شود. استفاده از عطف کتاب، فضای میان جلد گالینگور شده و جلد معمولی کتاب یا حتی خیلی علنی‌تر در میان صفحات از روش‌های مرسوم است. در این روش معمولا مصارف شخصی یا محموله‌های در وزن‌های پایین قاچاق می‌شود اما در یک نمونه گمرک محموله‌ای به ارزش ۷۵۰ کیلو کشف کرد. در روش کتابی قاچاقچیان بیشتر تمایل به کتب مذهبی دارند که به خصوص در کشورهای مسلمان حساسیت کمتری را برانگیخته و ماموران در مقابل این کتب معمولا سهل‌گیرانه‌تر رفتار می‌کنند. مفاتیح‌الجنان، قرآن کریم، انجیل، صحیفه سجادیه از جمله کتبی است که تاکنون با سوءاستفاده از ارزش معنوی‌شان از آنها به‌عنوان ابزار قاچاق استفاده کنند. در یک مورد قاچاقچیان قصد داشتند محموله‌ای به وزن پنج کیلو را از طریق یک کتاب مذهبی از کشور خارج کنند. آنها با مایع کردن تریاک اقدام به نوشتن آیات مذهبی کرده بودند که جوهر آنها تریاک بود.

گردو، پسته و تریاک

این روش، بیشتر یک روش گمرکی به شمار می‌آید. روش پر زحمتی که استفاده می‌کنند تا محموله‌هایی در ابعاد چند ۱۰کیلو جابه‌جا شود. در این شیوه از ترانزیت، مغز خشکباری نظیر گردو، فندق و پسته تخلیه می‌شود و به جای آنها انواع مواد به خصوص تریاک گذاشته می‌شود و در بسته‌بندی‌های صادراتی به کشورهایی نظیر مالزی ارسال می‌شود. برای نخستین بار این روش توسط یکی از ماموران قدیمی گمرک کشف شد. جاسازی موادمخدر در داخل هندوانه هم از جمله شاخه‌های این روش محسوب می‌شود. در یک مورد ماموران بیش از ۱۳ کیلو تریاک در یک محموله راهی شده به سمت تهران را کشف کردند.

شیشه در مبل

این شیوه را پلیس به صورت رسمی گزارش کرده است. چندی قبل رییس‌پلیس مبارزه با موادمخدر ناجا از دستگیری قاچاقچیانی خبر داد که از شیوه جالبی در جابه‌جایی محموله‌های خود استفاده می‌کردند. آنها با خریداری مبل‌های دست دوم، روکش آنها را عوض کرده و در حین این تعویض در مبل‌ها شیشه جاسازی می‌کردند. بعدها رییس‌پلیس مبارزه با موادمخدر هرمزگان هم از کشف کانتینری خبر داد که در پوشش جابه‌جایی چیپس مبادرت به حمل موادمخدر از نوع شیشه می‌کرد، به گفته او، عوامل این محموله با ظرافت خاصی در هر کارتن یک بسته از بسته‌های چیپس را با موادمخدر از نوع «شیشه» پرکرده بودند، این بسته‌های چیپس حاوی ۲۷۳ کیلو شیشه بودند.

هرویین در باتری‌های قلمی

این روش به صورت اتفاقی توسط یک سرباز وظیفه کشف شد. او نیز هنگامی به محموله ظاهرا قانونی باتری‌های قلمی شک کرد که در کف کانتیر اندکی پودر سفید رنگ مشاهده کرد، این سرباز با گزارش این تردید به مقام مافوق خود پرده از روشی برداشت که برخی معتقدند روش هوشمندانه‌ای بوده است. در این شیوه داخل تمامی باتری‌های قلمی تخلیه شده و به جای آنها بسته‌های هرویین قرار گرفته بود. در این میان ظاهرا یکی از بسته‌ها پاره شده و به هر شکلی مقداری از مواد کف کامیونت پخش شده بود که همین عامل باعث لو رفتن نزدیک به ۲۰۰کیلو هرویین شد. جعفر می‌گوید که همیشه از این اتفاق‌ها پیش می‌آید و گاهی بهترین نقشه‌ها نیز با یک بی‌دقتی به ظاهر کوچک لو می‌رود. محموله‌های زیادی هر روز در کشور لو می‌روند یا پلیس موفق می‌شود آنها را کشف کند اما با این حال محموله‌های بسیاری هم سالم به مقصد می‌رسند. «محموله‌های سبز» (نامی که جعفر به محموله‌های رسیده به مقصد می‌دهد) حاوی آنقدر مخدری هستند که بازار را همیشه تامین کند و این محصول نقشه افرادی چون جعفر است که پول می‌گیرند تا برنامه‌ریزی قاچاق کنند. برای آنها هر چیزی در وهله اول می‌تواند بالقوه یک ابزار قاچاق باشد، از گردو و پسته گرفته تا ماشین لباسشویی و جسد انسان. برای امثال جعفر سالم رسیدن هر محموله‌ای نشانی از پیروزی است. آنها متخصصان یافتن بهترین راه برای فرار از دست پلیس هستند. آنها برنامه‌ریزان قاچاق هستند.

ابهام در برخورد با کمپ‌های درمان اعتیاد غیرمجاز

مینا عینی‌فر: با میل خودش رفته تا اعتیادش را درمان کند. ۴۴ ساله است و هزینه درمانش را کسی از طرف خیریه پرداخت کرده بود و او فقط باید مدتی طاقت می‌آورد تا پاک می‌شد. اما اوضاع جور دیگری پیش رفت: «وحشیانه کتکم می‌زدند. روزی چهار، پنج نفرمامور بودند به جانم بیفتند. با طناب مرا می‌بستند و با چوب و میله می‌زدند. یکی از دندان‌هایم شکست. دیگران را در آب سرد هم می‌انداختن». مکثی می‌کند و ادامه می‌دهد: «چی بگم... هتک حرمت می‌کردند.» صحبت از دکتر و روان‌شناس که به میان می‌آید، خنده‌اش می‌گیرد: «دکتر؟! یک قرص هم به من ندادند. حتی پولی را که امانت پیش‌شان گذاشته بودم، پس ندادند و وقتی سراغش را گرفتم تهدیدم کردند که باز کتکت می‌زنیم. رفتم و پشت سرم را نگاه نکردم.»

البته او به میل خودش رفته بود و وضعش بهتر از آنهایی بود که به زور به کمپ برده شده بودند. مثل مرد جوانی که می‌گوید: «چهار، پنج نفر او را با کتک از خانه به کمپ بردند و با زنجیر ۲۱ روز دست و پایم را بستند و وحشیانه کتکم می‌زدند. اشتباه می‌کردم کتک می‌خوردم. دور و برم دیگران را می‌دیدم که آویزان‌شان می‌کردند یا با سگ می‌ترساندن‌شان. دنده‌ام را شکسته بودند و نفسم بالا نمی‌آمد. وقتی خانواده‌ام زنگ می‌زدند می‌گفتند شرایطش را ندارم و نمی‌گذاشتند مرا ببینند. ۵۰ روز ماندم و بعد در اولین فرصتی که پیدا شد، فرار کردم.» خبر دارد که یکی از مسوولان کمپ به زندان افتاده اما خود کمپ همچنان به فعالیتش ادامه می‌دهد.

یک کارشناس درمان اعتیاد به «شرق» می‌گوید: «کمپ‌های غیرمجاز از روش‌هایی مانند بستن با زنجیر، کچل کردن، انداختن در آب سرد، ترساندن مریض با استفاده از حیواناتی مثل سگ و همین‌طور ضرب و شتمی که ممکن است به آسیب‌های بعدی نیز منجر شود، استفاده می‌کنند. همچنین جلوگیری از ملاقات بیمار و انواع برخوردهای خشونت‌آمیز در این کمپ‌ها دیده شده که از جمله روش‌های آسیب‌زا و غیرمجاز هستند. برخی مراجعان به این کمپ‌ها نیز از هزینه‌های بالا و نامعقول آنها شکایت داشته‌اند.»

رفتارهای خشونت‌آمیز و حتی گزارش‌های وقوع قتل در مراکز غیرمجاز ترک اعتیاد در حالی صورت می‌گیرد که آیین‌نامه مراکز اقامتی بلندمدت و غیراقامتی، به جنبه اجتماعی و روانی درمان توجه نشان می‌دهد. بند «۹» ماده یک این آیین‌نامه، مراکز اجتماع درمان‌مدار اقامتی بلندمدت را این‌گونه تعریف می‌کند: مرکزی شبانه‌روزی است (دوره‌های سه تا شش ماهه) برای درمان و بازتوانی بیماران وابسته به مواد که روابط بین فردی و کارکرد اجتماعی آنها به شدت افت کرده، اجتماع درمان‌مدار با تاکید بر تغییرات رفتاری و شناختی، شامل برنامه‌های ساختار یافته فردی و اجتماعی نظیر: خدمات روان‌شناختی، مشاوره، آموزش خانواده، گروه درمانی، تشکیل گروه‌های خودیار خدمات مددکاری و پیگیری است. رویکرد اجتماع درمان‌مدار، رویکردی اجتماعی است که از طریق به وجود آمدن تغییرات کلی در شیوه زندگی فرد معتاد به وی امکان طی طریق بهبودی را می‌دهد. این برنامه بر خودیاری، رشد فردی و حمایت هم گروه‌ها و ایجاد محیط معنوی در مرکز تاکید دارد.

این آیین‌نامه افراد مقیم در مراکز درمان اعتیاد را «فرد داوطلب درمان» می‌نامد در حالی که کمپ‌های غیرمجاز برای بردن افراد به کمپ متوسل به زور و خشونت می‌شوند. در تماس «شرق» با دو کمپ غیرمجاز مشخص شد، آنها با استفاده از اکیپ‌های مخصوص، معتادان را به کمپ انتقال می‌دهند و گاهی تحت عنوان «مامور» آنها را می‌برند.

تعداد کمپ‌های غیرمجاز ترک اعتیاد در سراسر کشور چند برابر کمپ‌های مجاز است. شکایت‌های بیماران از این کمپ‌ها آنقدر بوده که مسوولان سازمان بهزیستی و نیروی انتظامی از وضع آنها اطلاع کامل داشته باشند، اما در این میان ظاهرا متولی برخورد با این کمپ‌ها مشخص نیست. براتی، معاون پیشگیری و درمان اعتیاد سازمان بهزیستی کشور این سازمان را تنها متولی صدور مجوز برای کمپ‌ها می‌داند و مسوولیت رسیدگی به اعمال آسیب‌زا و کمپ‌های بدون مجوز را خارج از عهده بهزیستی می‌داند. او می‌گوید ایجاد کمپ‌های ترک اعتیاد باید بر اساس آیین‌نامه مراکز اقامتی باشد که در آن تمام خصوصیات یک مرکز استاندارد از جمله امکانات، فضا، متراژ، نیروی انسانی و موارد دیگر مشخص شده است. کمپ‌هایی که این خصوصیات را داشته باشند، به بهزیستی مراجعه کرده و مجوز دریافت می‌کنند. او در مورد شرایط مناسب کمپ‌های ترک اعتیاد به «شرق» می‌گوید: «در مراحل اولیه درمان معتادان که سم‌زدایی صورت می‌گیرد، حضور پزشک ضروری است. طبق آیین‌نامه بر اساس مجوزی که به کمپ‌ها داده می‌شود، بعضی از آنها باید با مراکزی که پزشک دارند در ارتباط باشند تا به بیماران رسیدگی شود و بعد از مدتی که مراحل سم‌زدایی انجام شد، بقیه مراحل را کمپ به تنهایی می‌تواند انجام دهد. بخش دیگری از کمپ‌ها باید حتما پزشک مقیم داشته باشند و بخشی از آنها به هیچ‌وجه حق استفاده از درمان دارویی را ندارند. بعضی از آنها مجوز لازم برای سم‌زدایی می‌گیرند و در هر صورت باید طبق مجوزی که گرفته‌اند عمل کنند.» براتی درباره نحوه تشخیص کمپ‌های مجاز از غیرمجاز هنگام مراجعه می‌گوید: «در حال حاضر حدود ۲۶۰ مرکز مجوز دارند که اسامی آنها نزد سازمان بهزیستی موجود است و مردم از طریق خط ملی اعتیاد یعنی شماره تلفن ۰۹۶۲۸ می‌توانند از آنها مطلع شوند. همچنین راهنمایی به خانواده‌ها و کمک به درمان اعتیاد از طریق این خط انجام می‌شود. در حال حاضر بیش از هزار مرکز بدون مجوز در سراسر کشور فعالیت دارند که علاوه بر مراجع قضایی که مسوولیت برخورد با آنها را برعهده دارند، مردم نیز با شناسایی مراکز مجاز و مراجعه نکردن به کمپ‌های غیرمجاز می‌توانند به حل این مساله کمک کنند.»

احمدی‌مقدم، فرمانده نیروی انتظامی، مهر ماه امسال در گفت‌وگو با مهر از وجود یک میلیون و ۲۰۰ هزار معتاد دایمی و ۴۰۰ هزار معتاد به هرویین خبر داده و با اشاره به برخورد با مراکز درمان اعتیاد غیرمجاز گفته بود: شناسایی و برخورد با کمپ‌های درمانی غیرمجاز وظیفه ستاد مبارزه با موادمخدر و دستگاه‌های درمانگر است. اگر آنها از پلیس بخواهند که با مراکز غیرمجاز برخورد شود، پلیس با آنها برخورد می‌کند. باید بتوانیم روش‌های درمان را اصلاح کنیم اما وظیفه برخورد با این مراکز بر عهده دستگاه‌های مسوول است که بار اول به آنها اخطار داده می‌شود و در صورت بی‌توجهی، پلیس با این مراکز برخورد می‌کند. فرهاد اقطار، مدیرکل وقت پیشگیری و درمان اعتیاد سازمان بهزیستی کشور نیز مهر ماه امسال در نشست خبری با خبرنگاران، جمع‌آوری کمپ‌های غیرمجاز را از وظایف ستاد مبارزه با موادمخدر عنوان کرد. در حالی که نیروی انتظامی و سازمان بهزیستی ستاد مبارزه با موادمخدر را متولی این امر می‌دانند اما این نهاد خود را عهده‌دار وظایف اجرایی نمی‌داند.

دریچه

کهن‌ترین نرگس‌زارهای ایران چشم‌انتظار گردشگران

■ **مهر:** قدیمی‌ترین نرگس‌زارهای ایران متعلق به شهرستان بهبهان در شرق خوزستان است که قدمت آن به دوران قبل از میلاد مسیح بازمی‌گردد و در حال حاضر برای حفظ بقای خود به توجه ویژه مسوولان نیاز دارد و هم‌اکنون در فصل گل‌دهی چشم‌انتظار گردشگران است.

گل نرگس را می‌توان در دشت‌ها و کوهپایه‌های زاگرس در استان‌های ایلام، لرستان، خوزستان، فارس، کهگیلویه و بویراحمد مشاهده کرد. این گل در جشنواره گل هلند در سال ۱۹۹۲رتبه نخست را به خود اختصاص داده و در ایران به علت نبود آگاهی و معرفی کافی و عدم تبلیغ درباره آن و شناسانده نشدنش تاکنون از خاستگاه آن اطلاعات کافی منتشر نشده است.

گل‌دهی نرگس همه‌ساله از نیمه دوم سال آغاز می‌شود و تا پایان بهمن و گاهی نیز نیمه اول اسفند در بهبهان ادامه دارد. در اصل هر وقت گل نرگس وجود دارد سرما هم در کنار آن ادامه دارد.

در متون باستانی از نرگس با عنوان نارسیسوس یا نارسیس نام برده شده و در یکی از سروده‌های بسیار باستانی هومری قرن هفتم یا هشتم پیش از میلاد درباره آفرینش همین نام سخن به میان آمده است. چون گل‌ها همواره شگفتی و شادی‌آور بوده‌اند و در باور و ذهن همه انسان‌های دوران باستان و امروز قدرت بی‌همتای خالق را در ذهن پرورش می‌دهند بنابراین پیوند دادن گل‌های زیبا به خدایان امری عادی است.

گفته‌ها حکایت از آن دارد که انبوه گل نرگس در بهبهان به قدری زیاد بوده که رنگ یکپارچه و طلایی گل نرگس از دور نمایان بوده و بوی عطرآگین آنها به مشام هر رهگذری می‌رسیده است.

در نرگس‌زارهای بهبهان چهار نوع گل نرگس شناسایی شده که نرگس «شهلا» وسعت بیشتری را در این مناطق به خود اختصاص داده است. از انواع دیگر گل نرگس هم می‌توان به «پُرپر یا شصت پر»، «پنجه گربه‌ای» و «مسکین» اشاره کرد که با وجود همه مزیت‌هایی که گل نرگس دارد این گل سهم ناچیزی از گردشگری گل را به خود اختصاص داده است.

براساس گفته‌های تنی چند از باغداران بهبهانی تا سال ۱۳۵۰ در بهبهان بیش از ۷۰۰ هکتار مزرعه کشت گل نرگس وجود داشت که هم‌اکنون در بهترین حالت به ۷۰ هکتار می‌رسد. در دهه ۴۰ تعدادی هلندی با مراجعه به نرگس‌زارهای بهبهان مقداری از پیازهای نرگس را به منظور تکثیر به هلند منتقل و اقدام به پرورش این گل کردند. روی هر شاخه گل نرگس بهبهان دو تا ۱۰ شکوفه گل و گاهی تا بیش از ۲۰ شکوفه نیز مشاهده شده است. هلندی‌ها به دلیل علاقه به گل نرگس نام یکی از خیابان‌های خود را بهبهان نامگذاری کرده‌اند.

طبق اظهارنظر پزشکان، افراد مبتلا به بیماری آلزایمر با بو کردن این گل امکان درمان پیدا می‌کنند. تا پیش از انقلاب و تسطیح اراضی برای کاربری‌های مختلف، بهبهان بیش از ۳۰ گلزار نرگس داشت که این تعداد هم‌اکنون به پنج مزرعه رسیده است که بزرگ‌ترین نرگس‌زار بهبهان متعلق به اداره منابع طبیعی بهبهان است که «غلامحسین مکی» با هدف حفظ و پرورش گل نرگس این باغ را اجاره کرده است.

بخشی از تولیدکنندگان گل نرگس، محصول خود را به کشورهای حاشیه خلیج‌فارس ارسال می‌کنند که تا سال قبل به شاخه‌ای چهار دینار (یک هزار تومان) به فروش می‌رسد اما در داخل کشور، یک شاخه گل به قیمت ۲۵۰ تا ۳۰۰ تومان عرضه می‌شود و در تهران نیز یک بسته صد تایی تا ۳۰ هزار تومان هم به فروش رسیده است.

با توجه به اینکه کاشت گل نرگس می‌تواند سهم قابل توجهی در ایجاد اشتغال داشته باشد، می‌توان با اندکی حمایت و با همت مسوولان به خصوص استانداری و شهرداری برای یک هزار نفر اشتغال ایجاد کرد. در حال حاضر به دلیل کم‌توجهی به اهمیت گل نرگس، در بیشتر نقاط کشور به نام نرگس شیراز عرضه می‌شود و به همین دلیل خریداران جذب باغات گل نرگس استان فارس می‌شوند. در هر هکتار مزرعه گل نرگس از ۲۰۰ هزار تا یک میلیون پیاز گل نرگس قابلیت کشت وجود دارد؛ این گل علاوه بر تولید سالانه با تکثیر طبیعی پیاز هم به تولید می‌رسد که با یک‌بار کاشت پیاز گل، برای برداشت در فصل‌های بعد دیگر نیازی به کاشت پیاز نیست. در صورت توجه به این چرخه اشتغال و سرمایه‌گذاری می‌توان به گردشگری گل نیز دست یافت. چندشغله بودن تولیدکنندگان گل نرگس، عدم بازاریابی مناسب، عدم خرید گل از سوی دولت، دریافت هزینه‌های فراوان از صاحبان مزارع، عدم توجه به جنبه‌های گردشگری و فقدان یک موسسه حمایتی و پژوهشی درباره گل نرگس از جمله دلایل عدم معروفیت و ارزش واقعی این گل است. با اینکه از سال ۱۳۵۹ اداره منابع طبیعی بهبهان برای احیای نرگس اقداماتی انجام داد و مانع خارج کردن پیاز گل نرگس شد اما پرورش‌دهندگان گل نرگس انتظار دارند به دلیل اهمیت این گل، جشنواره‌ای همانند گلاب‌گیری در کاشان، جشنواره انار در ساوه، جشنواره فندق در گیلان و قزوین و جشنواره سیب در دماوند برای برداشت گل نرگس در بهبهان نیز جشنواره‌ای ترتیب داده شود تا مردم بیشتری برای این امر به بهبهان و نرگس‌زارهای آن مراجعه کنند تا اقتصاد منطقه رونق گیرد.